

بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های هویت و مقایسه آنها در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تهران

*سمانه رضایی فرح‌آبادی

E-mail: samanehrezae2007@yahoo.com

**قدسی احقر

E-mail: Ahghar2004@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۶/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۳/۲۶

چکیده

امروزه موضوع هویت در میان نوجوانان، سبک‌های هویت و عوامل مؤثر بر آنها توجه روان‌شناسان را به خود جلب کرده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های هویت و مقایسه آنها در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تهران انجام شده است.

نمونه پژوهش حاضر شامل ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تهران بودند که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری، دو پرسشنامه مقیاس جهت‌گیری‌های مذهبی و پرسشنامه سبک‌های هویت بودند و برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌های پژوهش از تحلیل رگرسیون و گروه‌های مستقل استفاده شد.

نتایج نشان داد که بین جهت‌گیری‌های مذهبی با سبک‌های هویت در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه رابطه معناداری وجود دارد. بین جهت‌گیری‌های مذهبی دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه تفاوت معناداری وجود دارد و همچنین بین سبک‌های هویتی دانش‌آموزان دختر با دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه تفاوت معناداری وجود دارد.

نتیجه‌ای که حاصل شد این بود که یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین همخوانی داشته و این مؤید لزوم توجه به جهت‌گیری‌های مذهبی در نوجوانان، برای بهره‌مند شدن از هویتی موفق است.

کلیدواژه‌ها: جهت‌گیری مذهبی، سبک هویت، دانش‌آموزان، دوره متوسطه،

شهر تهران.

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات اصفهان، نویسنده مسئول

** دکتری روان‌شناسی دانشگاه - عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات وزارت آموزش و پرورش

مقدمه

امروزه دو عامل مهم موجب شده است که علمای تعلیم و تربیت، روانشناسان و جامعه‌شناسان، بازنگری به دین و ادبیات دینی را ضروری بدانند. در سال‌های آخر قرن بیستم آمار نشان داد که در دانشگاه‌های آمریکا هشتاد درصد دانشجویان احساس می‌کنند که به ایمان مذهبی نیازمندند. در شماره ۲۹ دسامبر ۱۹۹۶م. مجله *تایم*، این پرسش مطرح شد که آیا خداوند در حال رستاخیز نیست؟ و در ادامه نشانه‌های ظهور مجدد دین‌ورزی مطرح شد. بررسی مجله *اشپیگل*^۱ در پایان سال ۱۹۶۷م. نیز آشکار ساخت که هشتاد و شش درصد بزرگسالان آلمانی عبادت می‌کنند. در همان کشور هورکهایمر^۲، در آغاز سال ۱۹۷۰م. در مصاحبه‌ای با *اشپیگل* اظهار داشت: «برای مقابله با شرایط جامعه‌ای کاملاً برنامه‌ریزی شده، باید به خداشناسی روی آورد و توسل جست» (اسکندری و کیانی، ۱۳۸۶: ۵). شمار شهروندان آمریکایی که در این پژوهش خود را لامذهب یا خداشناس خواندند، تقریباً صفر بود. اما مهم‌تر از این در شماره یکشنبه نوئل ۲۰۰۵م. مجله نیویورک تایمز، پژوهش دیگری به چاپ رسید که نتیجه آن نشان داد که گروهی از شهروندان آمریکایی که بیش از هر گروهی دیگری، تمایل به دوری از مذهب دارند و به بیبی بونیر^۳ معروف هستند به مذهب روی می‌آورند. این گروه، در تاریخ آمریکا بزرگ‌ترین جماعت پشت‌کرده به دین بودند، اما نیویورک تایمز به نقل از پژوهشی دانشگاهی مطرح کرد که امروزه پنجاه درصد از اعضای این گروه تمایل دارند تا در کلیسا، کنیسه و دیگر پرستشگاه‌ها به عبادت بپردازند.

بنابراین، امروزه پرداختن به مباحث مربوط به روانشناسی دین، بیش از پیش، بیشترین طرفدار را در میان جوانان دارد. از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین مباحث در رابطه با سنین نوجوانی و جوانی، مبحث هویت و بحران هویت است. احساس هویت در نوجوانی آغاز نمی‌شود و در نوجوانی هم خاتمه نمی‌یابد. به نظر اریکسون، هویت نهایی از همان دوران اولیه کودکی با ایجاد احساس اعتماد یا عدم اعتماد نسبت به افراد و جهان پیرامون کودک شکل می‌گیرد و رشد هویت، همیشه در نوجوانی خاتمه نمی‌یابد. بعضی از زنان و مردان به جای اینکه خود را بیابند، بیشتر هم‌رنگ جماعت می‌شوند (کانجر، ۱۳۸۲: ۲۵).

1. Der Spiegel

2. Horkheimer, M

3. Baby boonier

باربارا و نیومن^۱ (۱۹۶۷) نیز بر این نظرند که پیش از آنکه هویت شخصی واحدی شکل گیرد، نوجوان ابتدا باید به یک احساس هویت گروهی با هم‌سالان خود دست یابد. دستیابی به هویت، به فرد امکان می‌دهد تا هم احساس تعلق داشتن به گروه‌های اجتماعی و هم احساس فردیت را تجربه کند و برای تجربه این دو احساس، نوجوان باید دارای نقش‌پذیری اجتماعی باشد (غضنفری، ۱۳۸۷: ۸).

بنابراین از آنجا که شکل‌گیری یک هویت موفق در نوجوانی، می‌تواند در سایر مراحل زندگی بسیار تأثیرگذار باشد و عوامل گوناگونی بر سبک هویت افراد مؤثر است، پژوهش حاضر در پی یافتن ارتباط میان جهت‌گیری‌های مذهبی و سبک‌های هویتی است تا از این طریق به نوجوانان و جوانان در رسیدن به یک هویت موفق یاری رساند.

سؤالاتی که این پژوهش به دنبال پاسخ به آنهاست عبارتند از:

۱. آیا بین جهت‌گیری‌های مذهبی (درونی و بیرونی) با سبک‌های هویت (هنجاری، اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی) رابطه وجود دارد؟
 ۲. آیا بین جهت‌گیری‌های مذهبی (درونی و بیرونی) دانش‌آموزان دختر با دانش‌آموزان پسر تفاوت وجود دارد؟
 ۳. آیا بین سبک‌های هویت (هنجاری، اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی) دانش‌آموزان دختر با دانش‌آموزان پسر تفاوت وجود دارد؟
- به‌علاوه پژوهش حاضر در پی بررسی فرضیات زیر می‌باشد:
۱. بین جهت‌گیری‌های مذهبی (درونی و بیرونی) با سبک‌های هویت دانش‌آموزان دختر و پسر رابطه وجود دارد.
 ۲. بین جهت‌گیری‌های مذهبی (درونی و بیرونی) دانش‌آموزان دختر با دانش‌آموزان پسر تفاوت وجود دارد.
 ۳. بین سبک‌های هویت (هنجاری، اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی) دانش‌آموزان دختر با دانش‌آموزان پسر تفاوت وجود دارد.

۱. چارچوب نظری پژوهش

اگرچه مطالعه نظریه‌پردازی در زمینه‌های مختلف دینی، از قدمت طولانی برخوردار است، اما مطالعه دین از زاویه روان‌شناختی از حدود یکصد سال پیش آغاز شده است.

1. Barbara, M & Newman, G

نگرش دینی و موضوعات مرتبط به حیطه دین و روان‌شناسی، تحت عنوان روان‌شناسی دین می‌باشد که موجودیت خود را به هم‌زمانی پیدایش ادیان تطبیقی در قرن نوزدهم با پیدایش دو رشته دیگر یعنی روان‌تحلیگری و روان‌شناسی فیزیولوژیک، مدیون است (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۴۲). در مجموع سه دیدگاه مختلف در روان‌شناسی دین وجود دارد:

۱-۱. دیدگاه‌های سنتی در روان‌شناسی دین و تعریف دین و خصوصیات زندگی دینی

پژوهشگران این دیدگاه، به تعریف دین و خصوصیات زندگی دینی می‌پردازند. به‌عنوان مثال جیمز^۱ از جمله اشخاص برجسته‌ای بود که در مورد دین نظریاتی را ارائه داد. جیمز در بررسی‌های خود دو چیز را در ادیان مختلف، مشترک یافت که عبارتند از: یک احساس ناراحتی درونی، رهایی از این ناراحتی و دستیابی به آرامش (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۴۲). آدلر^۲ در نظریه خود، علت احساس حقارت را فقدان قدرت می‌داند و یکی از دلایلی که مفهوم دین در این دیدگاه مطرح شده است، عقاید نسبت به خداوند می‌باشد که ویژگی آن گرایش افراد جهت کمال و برتری‌طلبی است. اگر افراد به کمال برسند، در واقع با خداوند همانند می‌شوند و با همانند شدن افراد با خداوند، نقیص و احساس حقارت نیز جبران می‌گردد (نیلسن، ۱۳۸۵: ۴۷).

در دین اسلام، دیدگاه‌هایی درباره ریشه و منشأ دین ذکر شده است که نمونه آن سخنان گهربار حضرت علی(ع) در مورد مقوله دین است. برخی از این سخنان عبارتند از: «آغاز دین تسلیم بودن در برابر پروردگار و پایان آن بندگی خالص پروردگار است». «دین را جز عقل سامان نبخشد». «دین و ادب هر دو محصول عقلند». «دین، آدمی را از هر کار زشت و ناپسند بازمی‌دارد» (روغنچی، ۱۳۸۴: ۵۰).

هم‌چنین مصباح یزدی دین را اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید معرفی می‌کند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹: ۳۲). محمدتقی جعفری دین را عبارت از محاسبه و تنظیم زندگی طبیعی و روانی در مسیر تکامل رو به جاذبیت الهی می‌داند. وی عقاید دینی را اساسی‌ترین رکن یک دین دانسته که از نموده‌های روانی است و رکن دیگر آن حرکات و سکانات است که مطابق آن عقاید از انسان صادر می‌گردد (جعفری، ۱۳۴۹: ۱۲۳).

در نهایت می‌توان طبق دیدگاه اسلام، دین را چنین تعریف کرد: دین مجموعه‌ای از معارف، عقاید، احکام، اخلاق و در یک کلام «هست‌ها و نیست‌ها» و «بایدها و نبایدها»

1. James, W

2. Adler, A

است که خداوند جهت هدایت بشر به وسیله منابع و ابزارهای چون کتاب، سنت، عقل و فطرت نازل فرموده است، خواه این معارف با عقل و تجربه تحصیل‌پذیر باشد یا نباشد (خسرو پناه، ۱۳۷۹: ۲۹).

۲-۱. دیدگاه‌های کارکردی در روان‌شناسی دین و بررسی اثرات دین و نگرش دینی

در این نظریات به اثرات گوناگون دین و نگرش دینی در زندگی، مقابله دینی و کارکردهای روانی اجتماعی آن توجه‌گردیده است. میسیاک^۱ از جمله نظریه‌پردازان کارکردی است که معتقد است، دین، انسان را به فلسفه حیات مسلح می‌کند و به عقل وی روشنگری لازم را می‌بخشد. دین برای فرد، نقشی را ایفا می‌کند که قطب‌نما برای کشتی، یعنی در دریای زندگی جهت و راهنمایی را در اختیار او قرار می‌دهد؛ هم‌چنین باعث تقویت اراده گردیده و به فرد کمک می‌کند تا به فرمان عقل گردن نهد (آلستون^۲ و دیگران، ۱۳۸۵). پارگامنت^۳ (۱۹۹۷) معتقد است دین معنی زندگی است و این جستجو به‌صورت روش‌هایی که به امور مقدس مربوط است، انجام می‌گیرد. در زمان وقوع رویدادهای ناگوار، معنی زندگی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و از این‌رو مقابله را به‌عنوان جستجوی معنی زندگی در مواقع فشار تعریف می‌کند. به تعبیر دیگر دین مجموعه‌ای از معانی همراه با پیام‌های روشن و تفسیرهای ممکن از وقایع و موقعیت‌ها را فراهم می‌آورد (پارگامنت و ماتون، ۱۳۸۵).

۳-۱. دیدگاه‌های ابعادی در روان‌شناسی دین و بررسی ابعاد باورها و جهت‌گیری‌های مذهبی

در این دسته از نظریه‌ها به ابعاد مختلف باورها و نگرش به جهت‌گیری‌های مذهبی^۴ پرداخته شده است. به طور کلی سه جهت‌گیری عمده مذهبی شامل جهت‌گیری مذهبی درونی، بیرونی و پرسشگری وجود دارد (بیت هالا همی، آرچیل و ولف، ۱۹۹۷: ۹۰). طبق این دیدگاه، افرادی که جهت‌گیری درونی^۵ دارند، با باورهای دینی خود زندگی می‌کنند و دین در همه جنبه‌های زندگی آنان تأثیر دارد. از طرف دیگر افراد دارای جهت‌گیری بیرونی^۶، دین را به‌عنوان وسیله‌ای در جهت مشارکت در گروه قدرتمند و به دست آوردن حمایت، راهنمایی، جایگاه اجتماعی و یک سازوکار دفاعی مورد استفاده قرار می‌دهند (جینا و شاو، ۱۹۹۹: ۱۰۱).

1. Misiak, A
2. Alston, D

3. Pargament, M
4. Religious orientation

5. Intrinsic religious orientation
6. Extrinsic religious orientation

جهت‌گیری مذهبی پرسشگری^۱، افرادی را توصیف می‌کند که دینداری آنها یک گفتگوی باز - بسته از سؤالاتی در مورد هستی است که ناشی از تضادها و مصائب زندگی می‌باشد (به نقل از مالبتی و همکاران، ۱۹۹۹: ۳۶۵).

هم‌چنین آلپورت (۱۹۵۹م.) دو نوع نگرش دینی را مشخص نمود که عبارتند از: جهت‌گیری مذهبی درونی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی. جهت‌گیری مذهبی بیرونی در افرادی وجود دارد که دین را به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود مورد استفاده قرار می‌دهند. افرادی با این گرایش احتمال دارد که بنا به دلایلی هم‌چون به دست آوردن آرامش و امنیت روانی، نمایان شدن در اجتماعات دینی، به دست آوردن مقام و موقعیت اجتماعی و یا تحکیم مقام و موقعیت شخصی، دین را سودمند تشخیص دهند. در مقابل افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی، ویژگی‌های متفاوتی دارند؛ این نوع گرایش حاکی از علاقه درونی به دین است؛ افراد با این ویژگی سعی دارند که دین مورد اعتقاد خود را درونی ساخته و آن را تمام و کمال در زندگی خود اجرا و تمام دستورات دینی را هر چند کامل‌تر انجام دهند (آلپورت و راس، ۱۳۷۸: ۵۱).

تبسون و شون‌راد^۲ معتقدند که دین رشد یافته دو جزء دارد که به نظر می‌رسد جدا و مستقل باشند؛ یکی از ابعاد دین رشد یافته «هدف» و دیگری «جستجو» است. هدف، همان دین درونی و متعهد است و شامل درجه‌ای از اطمینان قلبی به باورها و رفتار سنتی است. جستجو هم شامل کوشش بی‌پایان و انتقادی فرد برای پاسخ‌گویی به سؤالات وجودی است (آرین، ۱۳۷۸: ۴۷).

گانزوورث^۳ (۱۹۹۸) هم در تبیین نگرش دینی به سه بعد اشاره می‌کند که عبارتند از تجربه، تعبیر و تفسیر و رفتار. بعد «تجربه» در نگرش دینی، حاکی از تجربیات متعالی است. اجزاء عاطفی زندگی دینی را نیز دربرمی‌گیرد، بعد تعبیر و تفسیر به اهمیت شناخت می‌پردازد که شامل عقاید و دانش دینی است و بعد رفتار در نگرش دینی برای توصیف اعمالی مورد استفاده می‌باشد که در یک دیدگاه دینی انجام می‌گیرد و شامل مراسم دینی، سبک زندگی فرد و همچنین جنبه‌های تشریفاتی و نمادین نسبت به دین است (گانزوورث، ۱۹۹۸: ۲۱۰).

۲. سبک‌های هویت

مبحث دیگری که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته و ارتباط آن با جهت‌گیری

1. Quest religious orientation 2. Tebson, A & Shownrad, M 3. Ganzevoorth, H

مذهبی بررسی می‌شود، می‌تواند هویت است. هویت در دوران نوجوانی، بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرار می‌گیرد. نوجوان علاوه بر پذیرش و سازگاری با همه تغییراتی که در او به وجود آمده باید بتواند برای زندگی خود، فلسفه‌ای پیدا کرده و به احساس هویت نسبی دست پیدا کند (کانجر و پیترسون، ۱۳۸۳: ۲۳).

طبق یک تعریف ساده، هویت به معنای تشخیص است. نوجوان باید بتواند دانش و برداشت‌هایی را که از گذشته خود کسب کرده در یک مجموعه و قالب قرار دهد، به طوری که شخصیتی واحد و منسجم را در خود بیابد و نسبت به گذشته دید روشنی کسب کند (اکبرزاده، ۱۳۷۶: ۲۲). او باید بتواند پاسخی مشخص به این سؤالات دشوار بدهد که «من کیستم؟»، «جای من در هستی کجاست؟»، «از زندگی چه می‌خواهم؟»، «ارزش‌های مذهبی، فلسفی و اخلاقی من چه می‌باشند؟» (سلیگمن، ۱۳۷۵: ۱۳۲).

طی سی سال گذشته، رشد هویت، موضوع تحقیقات تجربی و نظری زیادی بوده است؛ به طوری که در سال ۱۹۹۳ م. مارسیا^۱ و همکاران وی تخمین زدند که بیش از ۳۰۰ پژوهش چاپ شده در مورد رشد هویت وجود دارد که بیشتر آنها براساس نظریه اریکسون و مارسیا ارائه شده‌اند (مارسیا و همکاران، ۱۹۹۶: ۴۲).

اریکسون (۱۹۶۸ م.) نظریه رشد «ایگو»^۲ خود را براساس تأثیر تعامل بین عوامل رشدی، تاریخی، اجتماعی و روانی در شکل‌گیری شخصیت ارائه داد. احتمالاً هیچ نظریه‌پردازی به تنهایی نتوانسته است به اندازه وی بر روی درک ما از رشد شخصیت طی دوره نوجوانی تأثیر بگذارد. اریکسون معتقد است که شکل‌گیری هویت، کار «ایگو» است. یک حس شخصی از تطابق و ثبات که براساس انتخاب ایگو از هویت شکل گرفته در دوران کودکی و آزمون واقعیت‌های موجود در زندگی نوجوانان ایجاد می‌شود. در واقع، وضعیت‌های ایگو، یک مؤلفه معتبر از هویت در این نظریه می‌باشد (برزونسکی و آدامز، ۲۰۰۵: ۵۵۷).

با توجه به اینکه اریکسون هویت را با مفاهیم نظری و بالینی مطرح کرد، طرح وضعیت هویت ایگو که توسط مارسیا در سال ۱۹۶۶ ارائه شد، اولین دیدگاه عملیاتی برای مطالعات نظام‌مند در مورد هویت در یک محیط اجتماعی معمولی بود (شوارتز و همکاران، ۲۰۰۰: ۱۲). مارسیا چهار وضعیت هویت را در مفهوم حضور یا عدم حضور بحران کاوش و تعهد، توصیف می‌کند. این چهار وضعیت عبارتند از هویت نامتمایز

1. Marcia, J

2. Ego

(وضعیتی بدون بحران کاوش فعلی و بدون تعهد)، تفویض اختیار (وضعیتی با تعهد و بدون بحران کاوش قبلی)، مهلت مجاز (وضعیتی با بحران کاوش فعلی و بدون تعهد) و بالاخره اکتساب هویت (وضعیت با تعهد و بحران کاوش قبلی که اکنون حل شده است). از نظر مارسیا کاوش به عنوان یک رفتار حل مسئله در نظر گرفته می‌شود که به سبک اطلاعات بیشتر درباره خود و محیط، به منظور تصمیم‌گیری در مورد انتخاب‌های اصلی زندگی منجر می‌شود و تعهد، به عنوان مجموعه‌ای از هویت‌ها، ارزش‌ها و باورها است (مارسیا، ۱۹۸۰، به نقل از شوارتز، ۲۰۰۰: ۱۶۵-۱۶۳).

برزونسکی نیز با استفاده از نظریه اریکسون و مارسیا، دیدگاه متفاوتی در مورد هویت با توجه به ساز و کار حل مشکلات و تصمیم‌گیری ارائه کرد. وی اشاره کرد که افراد با زمینه‌های شناختی - اجتماعی متفاوت، همگی از مدل ثابتی برای شکل‌گیری هویت خود استفاده کرده و بر این اساس، وی سه سبک هویتی خود را مطرح کرد. طبق این دیدگاه، وی افراد خودکاوش را که در مرحله اکتساب و مهلت مجاز نظریه مارسیا قرار می‌گیرند، به عنوان افرادی با سبک اطلاعاتی در نظر گرفت. هم‌چنین به نظر برزونسکی افرادی که بر طبق نظریه مارسیا در وضعیت تفویض اختیار هستند، از یک سبک هنجاری استفاده می‌کنند و بالاخره افرادی که در وضعیت هویت نامتمایز از نظر مارسیا هستند، از مشکلات شخصی و پاسخگویی به سؤالات مربوط به هویت اجتناب دارند که برزونسکی آن را تحت عنوان «سبک هویت سردرگم/اجتنابی» مطرح کرده است (برزونسکی، ۱۹۹۲: ۱۱۸).

با توجه به اهمیت این سبک‌های هویتی در ادامه پژوهش حاضر، به تفصیل به خصوصیات هر یک از این سبک‌ها پرداخته خواهد شد.

۲-۱. سبک هویت اطلاعاتی

افرادی که از سبک هویت اطلاعاتی استفاده می‌کنند، سعی دارند که مشکلات خود را به صورت قابل حل تفسیر کنند. بنابراین، زمانی که با مشکل مواجه می‌شوند، تمایل به استفاده از راهبردهای مقابله‌ای متمرکز بر حل مسئله دارند. فولکمن^۱ و لازاوس^۲ (۱۹۸۰م.) معتقدند افرادی که از راهبرد حل مسئله استفاده می‌کنند، در مورد یک مسئله جستجو و ارزشیابی کرده و سپس از اطلاعات مربوط به مشکل و انتخاب‌های متعدد در رابطه با آن، در جهت حل مسئله استفاده می‌کنند.

1. Folkman, B

2. Lazarose, H

بنابراین، سبک اطلاعاتی در جستجوی اطلاعات است و بر شیوهٔ مقابله متمرکز با مشکل، تأکید دارد. در این سبک، فرد درگیر یک کاوش فعال و تعهد منقطع همراه با نیاز به شناخت می‌باشد و از اعتماد به نفس بالایی برخوردار است (شوارتز، ۲۰۰۱: ۱۵۰). شاید بتوان در جامعه ما این مثال را در مورد افراد، زمانی که درگیر انتخاب رشته تحصیلی آینده خود هستند، عنوان نمود.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نوجوانانی که از سبک اطلاعاتی استفاده می‌کنند معمولاً فکور، متمرکز بر مشکل، کاردان و با وجدان هستند (برزونسکی و همکاران، ۲۰۰۰: ۱۰).

۲-۲. سبک هویت هنجاری

افرادی که از سبک هنجاری استفاده می‌کنند، زمانی که با استرس‌ها مواجه می‌شوند، تمایل دارند که برای حل مسائل و انتخاب راه‌حل‌ها با مراجع قدرت و افراد مهم در زندگی خود که برای آنها به‌عنوان الگو قلمداد می‌شوند، مشورت کنند. توجه اصلی آنها بیشتر به منابع اطلاعاتی، یا کیفیت اطلاعات ارائه شده است. البته، افراد هنجاری اغلب به وسیلهٔ اجتناب از حوادث یا وضعیت‌هایی که دیدگاه آنها را تأیید نمی‌کند، از دیدگاه‌های موجودشان حمایت می‌کنند (برزونسکی، ۱۹۹۲: ۱۱۸).

سبک هنجاری نوعی پیروی و مطابقت از افراد مهم است و شامل یک دیدگاه بسته ذهنی، تعهدی دگم، همراه با سرکوب‌گری کاوش می‌باشد. این افراد درکی ثابت و غیرقابل تغییر، از خود دارند. به دلیل تفکر بسته و محکم، این سبک، رابطه نزدیکی با تفویض اختیار دارد، هرچند که گاهی هم با کاوش ارتباط دارد؛ البته نه کاوشی که منجر به نتایج متناقض با باورهای موجود آنها باشد (شوارتز، ۲۰۰۱: ۱۵۲).

نوجوانان با سبک هنجاری، اغلب خود کنترل، با وجدان و هدفمند هستند، معمولاً نیاز شدیدی به ساختار احساس می‌کنند و به شدت با انتظارات و استانداردهای افراد مهم در زندگی‌شان مطابقت می‌کنند. به همین دلیل، این سبک معمولاً با پیشرفت تحصیلی رابطه بالایی دارد (برزونسکی و همکاران، ۲۰۰۰: ۱۲).

۲-۳. سبک هویت سر درگم / اجتنابی

افراد با سبک سر درگم - اجتنابی درگیر مسامحه‌کاری و اجتناب از تصمیم‌گیری و حل مشکلات می‌باشند. این افراد بیشتر با استرس‌های خود، به‌صورت هیجان‌مدار برخورد می‌کنند. فولکمن و لازاروس (۱۹۸۰م). معتقدند افرادی که از راهبردهای هیجان‌مدار

استفاده می‌کند، کوشش وسیعی در جهت کاهش، انکار یا فرار از فشارهای روانی و هیجانی دارند و استفاده از این روش‌ها موجب عدم احساس نیاز به اصلاح ساختارهای موجودشان می‌شود.

سبک سردرگم - اجتنابی رابطه مثبتی با کانون کنترل بیرونی و واکنش‌های اضطرابی و رابطه منفی با درون‌نگری دارد. هم‌چنین با سطوح پائین تعهد و اعتماد به نفس پائین ارتباط دارد (شوارتز، ۲۰۰۱: ۱۶۰). این سبک تقریباً شبیه وضعیت نامتمایز مارسیا می‌باشد (برزونسکی، ۱۹۹۹: ۲۵۵). این افراد معمولاً توجه کمی به آینده یا نتایج طولانی مدت انتخاب خود دارند، آنها به طریقی درگیر کاوش هستند، اما این کاوش، غیرسازمان یافته و اتفاقی است (برمن و همکاران به نقل از شوارتز، ۲۰۰۱: ۱۶۰). این افراد به صورت معناداری افسرده و نوروتیک و هم‌چنین در مقایسه با گروه‌های هنجاری و اطلاعاتی کمتر وظیفه‌شناس هستند (برزونسکی و همکاران، ۲۰۰۰: ۱۱). این سبک با مقابله‌های متمرکز بر هیجان و اجتنابی رابطه مثبت و با نیاز به شناخت و ایده‌های روشنفکرانه ارتباط منفی دارد (برزونسکی و فراوی^۱، ۱۹۹۶: ۶۰۰).

همان‌گونه که اریکسون (۱۹۶۴م.) ذکر می‌کند، مهم‌ترین دوره رشد افراد، دوره نوجوانی است. دوره نوجوانی، زمان تغییر ناگهانی و همه‌جانبه است. تغییراتی که با انقلاب زیست‌شناختی آغاز و به عرصه‌های شناختی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و... تسری می‌یابند. ظهور چنین بحرانی در نوجوان، وی را واجد چنین ویژگی‌های منحصر به فردی می‌کند که او را آماده کسب استقلال رفتاری و شخصیتی و در نهایت احراز هویتی مناسب و درخور می‌نماید (سلیمی‌فر، ۱۳۸۴: ۳۴).

با توجه به اهمیت بحث هویت در نوجوانی، بررسی عوامل تأثیرگذار بر آن ضرورت می‌یابد. پژوهشگران مختلف (غضنفری، ۱۳۸۲؛ دانشپور، ۱۳۸۵؛ آبراهام^۲، ۱۹۸۳؛ شوارتز، ۲۰۰۰؛ گروانت، ۱۹۸۷؛ واترمن، ۲۰۰۳؛ برمن و همکاران، ۲۰۰۱ و...) طی چند دهه اخیر، رابطه میان سبک‌های هویت نوجوانان و عواملی مانند وضعیت هویت والدین، تفاوت‌های نژادی، تفاوت‌های جنسیتی و تفاوت‌های فرهنگی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در پژوهش حاضر نیز، رابطه میان جهت‌گیری‌های مذهبی (درونی و بیرونی) و سبک‌های هویتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پژوهش‌های تجربی اندکی در مورد ارتباط بین وضعیت‌های هویت و جهت‌گیری‌های مذهبی وجود دارد. به‌عنوان نمونه آدامز^۳ و اسمیت (۱۹۹۶م.) به نقل از

1. Berzonsky, M. & Ferravi, R

2. Abraham, K

3. Adams

غرابی، ۱۳۸۲: ۶۵) در دو پژوهش جداگانه ارتباط بین وضعیت‌های هویت را براساس آزمون «فرایند هویت ایگو» و جهت‌گیری مذهبی، مورد بررسی قرار دادند. در رابطه با زیر مقیاس‌های آزمون جهت‌گیری‌های مذهبی، آلپورت عنوان می‌کند که تمایز قائل شدن بین درونی و بیرونی به ما کمک می‌کند تا کسانی را که دین برای آنها هدف است، از کسانی که دین برای آنها وسیله است، جدا نمائیم. افراد دسته اول به خوب بودن هدف توجه دارند و افراد دسته دوم به خوب بودن وسیله. آلپورت معتقد است که دین بیرونی به همراه خود، راحتی و آسایش، جایگاه و مقام اجتماعی و بالاخره تسکین و حمایت را به ارمغان می‌آورد. در عوض دین درونی مربوط به ایمان است و ارزش بالایی دارد. این نوع عقیده دینی تمام زندگی فرد را با معنا و با انگیزه می‌سازد و به سود و نفع فردی توجهی ندارد (آلپورت، ۱۹۶۹م، به نقل از آراین، ۱۳۷۸: ۴۶).

هم‌چنین برگن^۱ (۱۹۸۷) نشان داد که بین جهت‌گیری مذهبی درونی با کاستن از بدی‌ها، جدا شدن از تردید به خود و احساس خشنودی از وضع موجود، ارتباط وجود دارد. سیلور^۲ (۱۹۹۱م) نیز نشان داد که سطح بالای اضطراب با جهت‌گیری مذهبی بیرونی و سطح پایین اضطراب با جهت‌گیری مذهبی درونی ارتباط دارد.

روغنجی (۱۳۸۴) هم در پژوهشی با عنوان **رابطه جهت‌گیری مذهبی با سلامت روان دانشجویان دانشگاه رازی** نشان داد که بین جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان رابطه معناداری وجود دارد. به‌علاوه بین جهت‌گیری مذهبی و سلامت جسمی، اضطراب، کارکرد اجتماعی و افسردگی رابطه معناداری وجود دارد. هم‌چنین بین جهت‌گیری مذهبی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

وفایی و بوربور (۱۳۷۸) در پژوهشی تحت عنوان **نقش جهت‌گیری مذهبی و مقابله‌های مذهبی در استرس شغلی دبیران زن شهرستان همدان**، نشان دادند که معلمان دارای جهت‌گیری دینی درونی، استرس شغلی پائین‌تری را دارا هستند. هم‌چنین بین میزان استرس شغلی معلمان و میزان استفاده از مقابله‌های مذهبی، رابطه معناداری وجود دارد و منابع استرس در معلمان دارای جهت‌گیری درونی و بیرونی متفاوت است. از سوی دیگر، نتایج تحقیقات پیشین، گاه نشان دهنده تفاوت میان دختر و پسر در جهت‌گیری مذهبی است (آذربایجانی، ۱۳۸۰) اما در برخی از پژوهش‌ها، تفاوت معناداری میان جهت‌گیری مذهبی دختران و پسران مشاهده نشده است (مختاری، ۱۳۷۹).

1. Bergin, R

2. Silver, S

سلیمی فر (۱۳۸۴) هم در پژوهشی نشان داد که بین سبک هویت اطلاعاتی با رفتارهای جسورانه در روابط بین فردی، و بین سبک هویت هنجاری و رفتار انفعالی رابطه معناداری وجود دارد. افراد با سبک هویت سردرگم - اجتنابی به علت وضعیت نامشخص هویتی، در روابط بین فردی نیز سردرگم هستند و هنوز سبک پاسخ‌دهی مشخصی در روابط اجتماعی برای خود کسب نکرده‌اند.

اریکسون (۱۹۶۸م.) معتقد است که زنان و مردان در فرایند هویت، با هم تفاوت دارند. چندین پژوهش با استفاده از مصاحبه وضعیت هویت مارسیا (۱۹۶۶م.) نشان داده‌اند که برخی تفاوت‌ها در وضعیت هویت زنان و مردان وجود دارند (هاسون و فیشر^۱، ۱۹۷۹م.؛ مارسیا و فریدمن^۲، ۱۹۷۰م.). اما برخی از پژوهش‌ها نتوانستند تفاوت معناداری را در وضعیت هویت بیابند (لوئیز^۳، ۲۰۰۳م.). مارسیا معتقد است این امر می‌تواند نتیجه تغییرات سیاسی - اجتماعی نظیر افزایش حمایت از زنان باشد. آدامز و فیچ^۴ (۱۹۸۲م.) در پژوهشی در مورد رشد هویت، در یک نمونه تصادفی از افراد در اواخر دوره نوجوانی، نتیجه گرفتند که هیچ تفاوت معناداری در شکل‌گیری هویت دختران و پسران وجود ندارد.

۳. روش

۳-۱. جامعه، نمونه و روش اجرای پژوهش

جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش، کلیه دانش‌آموزان (دختر و پسر) دوره متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸ می‌باشد که تعداد آنها در حدود ۲۲۹۷۶ نفر است. چون مقیاس اندازه‌گیری، پیوسته و فرضیه‌های پژوهش دو دامنه‌اند، در سطح اطمینان ۹۵٪، حجم نمونه طبق اصول علمی و صحیح، ۳۰۰ نفر انتخاب شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد. این پژوهش از نوع همبستگی و همخوانی است، زیرا محقق بدون هیچ دخالت و دخل و تصرف، قصد دارد روابط بین متغیرها را اندازه‌گیری کند و میزان همبستگی بین آنها را مشخص کند.

1. Hadson, A & Fisher, F
2. Fridman, L

3. Lueiz, L
4. Fitch, S

۴. ابزار سنجش

۴-۱. مقیاس جهت‌گیری‌های مذهبی

اندازه‌گیری رابطه بین مذهب و پدیده‌های روانشناسی به آغاز قرن اخیر برمی‌گردد. در سال‌های اخیر، پژوهشگران در حوزه روانشناسی مذهب در تلاش بوده‌اند تا الگوی مناسبی برای اندازه‌گیری پدیده‌های روانشناختی با بعد معنوی انسان بیابند (گورساج، ۱۹۸۸م، به نقل از کرمی، ۱۳۸۴: ۱۸). یکی از مقیاس‌هایی که در این زمینه ساخته شده و بسیار مورد توجه قرار گرفته است، «مقیاس جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی آلپورت» می‌باشد. آلپورت بر مبنای کوشش‌های نظری خود، سعی در ساختن مقیاس برای اندازه‌گیری جهت‌گیری مذهبی نمود. به همین منظور، وی یک مقیاس ۲۰ گزینه‌ای ساخت که ۱۱ گزینه آن به جهت‌گیری بیرونی و ۹ گزینه آن به جهت‌گیری درونی اشاره می‌کردند. در سال ۱۹۶۲م. «فکین» یک نسخه ۲۱ گزینه‌ای ساخت که تمام گزینه‌های آلپورت در آن انتخاب شده بودند و علاوه بر آن یک گزینه دیگر به آن افزود (مذهب همان کار را می‌کند که عضویت من در گروه دوستان و آشنایان می‌کند یعنی کمک می‌کند که زندگی‌ام را متعادل و پایدار نگه دارم). طبق پژوهش آلپورت، همبستگی بین گزینه‌های جهت‌گیری مذهبی درونی با گزینه‌های جهت‌گیری مذهبی بیرونی (۰/۲۱-) بود. در تعدادی از مطالعات دیگر، از جمله مطالعاتی که توسط فگین صورت گرفت، همبستگی بین گزینه‌های جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی (۰/۲۰-) بود که بسیار نزدیک به همبستگی محاسبه شده توسط آلپورت بود (به نقل از دوناهو، ۱۹۸۵م). این مقیاس از روایی محتوایی خوبی برخوردار بوده و پایایی این مقیاس از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد. در جدول شماره ۱ به روش نمره‌گذاری مقیاس جهت‌گیری مذهبی اشاره شده است.

جدول ۱: نمره‌گذاری مقیاس جهت‌گیری مذهبی

متغیر	ابعاد	تعداد سؤال	سؤال‌هایی که معرف ابعاد هستند
جهت‌گیری مذهبی	جهت‌گیری درونی	۹ سؤال	به وسیله سؤال‌های ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ سنجیده می‌شود (نمره دانش‌آموزان باید بالاتر از متوسط باشد).
	جهت‌گیری بیرونی	۱۳ سؤال	به وسیله سؤال‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ سنجیده می‌شود (نمره دانش‌آموزان باید بالاتر از متوسط باشد).

1. Gorsuch, R

2. Donahua, T

۴-۲. مقیاس سبک هویت

این پرسشنامه در سال ۱۹۸۹م. توسط برزونسکی در آمریکا تهیه شد و در سال ۱۹۹۷م. توسط خودش مورد تجدید نظر قرار گرفت.

این پرسشنامه، یک پرسشنامه کاغذ و مدادی است که سه سبک هویتی را هنگام اجرای پرسشنامه مورد سنجش قرار می‌دهد. سبک اطلاعاتی با یازده عبارت مثل این جمله که «من زمان زیادی را صرف تفکر در مورد اینکه با زندگی‌ام چه کنم، کرده‌ام»، سبک هویت هنجاری با نه عبارت مثل «من ترجیح می‌دهم در موقعیت‌هایی قرار بگیرم که بتوانم براساس الگوها و استانداردهای اجتماعی رفتار کنم»، سبک هویت سردرگم/اجتنابی با ده عبارت مثل «در حال حاضر به آینده‌ام زیاد فکر نمی‌کنم، تا آن زمان راه طولانی در پیش است» سنجیده می‌شود (غضنفری، ۱۳۸۲: ۶۵). این مقیاس از روایی محتوایی خوبی برخوردار بوده و پایایی این مقیاس از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد. در جدول شماره ۲ به روش نمره‌گذاری مقیاس سبک هویت اشاره شده است.

جدول ۲: روش نمره‌گذاری مقیاس سبک هویت

متغیر	ابعاد	تعداد سؤال	سؤال‌هایی که معرف ابعاد هستند
سبک هویت هنجاری	سبک هویت اطلاعاتی	۱۱ سؤال	به وسیله سؤال‌های ۲، ۵، ۶، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۳۰، ۳۳، ۳۵ و ۳۷ سنجیده می‌شود.
	سبک هویت هنجاری	۹ سؤال	به وسیله سؤال‌های ۴، ۱۰، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۳۲، ۳۴ و ۴۰ سنجیده می‌شود.
	سبک هویت سردرگم/اجتنابی	۱۰ سؤال	به وسیله سؤال‌های ۳، ۸، ۱۳، ۱۷، ۲۴، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۶ و ۳۸ سنجیده می‌شود.

۵. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

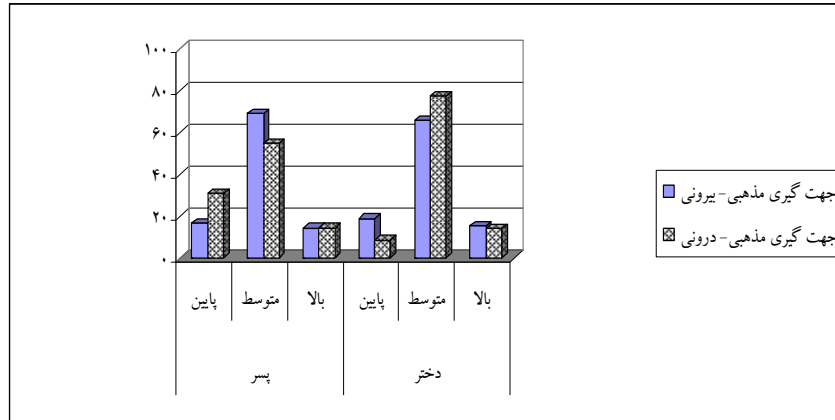
جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، درصد و...) و جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از آمار استنباطی (آزمون t گروه‌های مستقل و رگرسیون چند متغیره) استفاده شد.

۶. یافته‌های پژوهش

براساس دامنه تغییرات نمرات (کمینه - بیشینه) و هم‌چنین میانگین و انحراف معیار، هر یک از سطوح جهت‌گیری‌های مذهبی (درونی و بیرونی) دانش‌آموزان دختر و پسر در

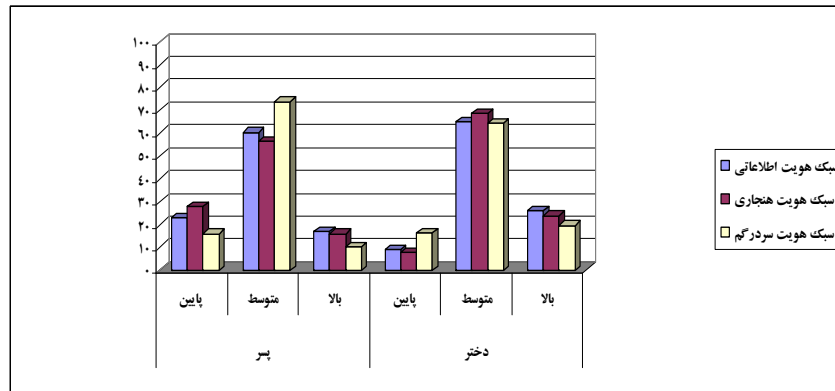
سه سطح پایین، متوسط و بالا تعیین گردید. آمارهای توصیفی در زمینه جهت‌گیری مذهبی نشان داد که میانگین نمرات در سطح متوسط، بالاتر از سایر سطوح است. هم‌چنین درصد پاسخگویی پسران (۶۹ درصد) در جهت‌گیری مذهبی بیرونی، بالاتر از دختران (۶۵/۷ درصد) و درصد پاسخگویی دختران (۷۷/۶ درصد) در جهت‌گیری مذهبی درونی، بالاتر از پسران (۵۴/۸ درصد) است. این موارد در نمودار شماره ۱ قابل مشاهده است.

نمودار ۱: نمودار ستونی مقایسه درصد پاسخ‌های آزمودنی‌های دختر و پسر در سطوح جهت‌گیری‌های مذهبی درونی - بیرونی



در زمینه سبک‌های هویتی نیز براساس دامنه تغییرات نمرات (کمینه - بیشینه) و هم‌چنین میانگین و انحراف معیار، هر یک از سطوح سبک‌های هویتی (هنجاری، اطلاعاتی، سردرگم - اجتنابی) دانش‌آموزان دختر و پسر در سه سطح پایین، متوسط و بالا تعیین گردید. نتایج نشان داد که میانگین نمرات در سطح متوسط بالاتر از سایر سطوح است. هم‌چنین درصد پاسخگویی پسران در سبک هویت سردرگم/اجتنابی (۷۳/۸ درصد) و درصد پاسخگویی دختران در سبک هویت هنجاری (۶۸/۵) است، که از همه بالاتر است. این موارد در نمودار شماره ۲ قابل مشاهده است.

نمودار ۲: نمودار ستونی مقایسه درصد پاسخ‌های آزمودنی‌های دختر و پسر در سطوح سه سبک هویتی



جهت تبیین و نیز بررسی اثر تعاملی میان جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های هویت، از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است؛ به نحوی که نمره سبک هویت دانش‌آموزان به‌عنوان متغیر وابسته (ملاک) و جهت‌گیری‌های مذهبی (درونی و بیرونی) به‌عنوان متغیر مستقل (پیش‌بین) وارد معادله رگرسیون گردید که نتیجه آن به ترتیب در جداول زیر نشان داده می‌شود:

جدول ۳: شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیون بین جهت‌گیری‌های مذهبی با سبک‌های هویت

ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی	ضریب تعدیل شده	اشتباه استاندارد برآورد
۰/۴۸۷	۰/۲۳۷	۰/۲۳۲	۹/۸۶۵۱۵

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که سبک هویتی دانش‌آموزان، دارای ۰/۴۸۷ درصد ضریب همبستگی با جهت‌گیری مذهبی دانش‌آموزان است و ۰/۲۳۲ درصد از واریانس متغیر سبک هویت دانش‌آموزان را تبیین می‌کند.

جدول ۴: آزمون تحلیل واریانس رگرسیون

منبع تغییر	مجموع مجذور	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی‌داری
اثر رگرسیون	۷۸۹۲/۵۸۸	۲	۳۹۴۶/۲۹۴	۴۱/۳۸۴	۰
اثر باقیمانده	۲۵۳۶۵/۲۷۹	۲۶۶	۹۵/۳۵۸		
جمع	۳۳۲۵۷/۸۶۶	۲۶۸	-		

در اطلاعات جدول ۴ مشاهده شده ($f=41/384$ ، درجه آزادی=۲ و ۲۶۶) مشارکت جهت‌گیری مذهبی دانش‌آموزان در تبیین متغیر سبک هویتی دانش‌آموزان معنادار است. به این ترتیب جدول نمایانگر این نکته است که بین جهت‌گیری‌های مذهبی (درونی و بیرونی) با سبک‌های هویت (هنجاری، اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی) در بین دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به اطلاعات بالا، فرضیه اول این پژوهش، مبنی بر اینکه بین جهت‌گیری‌های مذهبی با سبک‌های هویت رابطه وجود دارد، تأیید شد. نتایج به دست آمده در جدول شماره ۵ که با استفاده از آزمون t حاصل شده است به بررسی تفاوت جهت‌گیری مذهبی درونی، بیرونی و جهت‌گیری کلی در دختران و پسران می‌پردازد.

جدول ۵: نتایج آزمون آماری t مستقل برای مقایسه میانگین نمره جهت‌گیری‌های مذهبی

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار	نسبت t	درجه آزادی	سطح معناداری Sig
جهت‌گیری مذهبی بیرونی	پسر	۱۲۶	۳۴/۲۷	۶/۸۶	۰/۶۱	۰/۵۶۰	۲۶۷	۰/۵۷۶
	دختر	۱۴۳	۳۳/۷۷	۷/۷۱	۰/۶۴			
جهت‌گیری مذهبی درونی	پسر	۱۲۶	۲۷/۹۰	۸/۱۹	۰/۷۳	۳/۲۹۵	۲۶۷	۰/۰۰۱
	دختر	۱۴۳	۳۰/۷۴	۵/۸۶	۰/۴۹			
جهت‌گیری مذهبی کلی	پسر	۱۲۶	۶۲/۱۷	۷/۶۲	۰/۶۸	۲/۳۰۳	۲۶۷	۰/۰۲۲
	دختر	۱۴۳	۶۴/۵۱	۸/۸۶	۰/۷۴			

نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که در جهت‌گیری مذهبی بیرونی، t حاصله

(۰/۵۶) از میزان t جدول (۱/۹۶) کوچک‌تر است و هم‌چنین سطح معناداری، برابر ۰/۵۶۷ است که از سطح آلفای ۰/۰۵ بزرگ‌تر می‌باشد. بنابراین در جهت‌گیری مذهبی بیرونی بین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود ندارد اما، در جهت‌گیری مذهبی درونی، t حاصله (۳/۲۹۵) از میزان t جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر است و هم‌چنین میزان سطح معناداری ۰/۰۰۱ از سطح آلفای ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد، در نتیجه بین جهت‌گیری مذهبی درونی دختران و پسران تفاوت معناداری به چشم می‌خورد. در نمره کل جهت‌گیری مذهبی، t حاصله (۲/۳۰۳) از میزان t جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر است و هم‌چنین میزان سطح معناداری برابر ۰/۰۲۲ می‌باشد که از سطح آلفای ۰/۰۵ کوچک‌تر است. این نتیجه نیز نشان‌دهنده وجود تفاوت معنادار در نمره کل جهت‌گیری مذهبی، بین دختران و پسران است. در نهایت با توجه به اطلاعات بالا، فرضیه دوم این پژوهش مبنی بر اینکه بین جهت‌گیری‌های مذهبی در دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد، تأیید شد.

به منظور روشن شدن تفاوت احتمالی بین سبک‌های هویت (هنجاری، اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی) دانش‌آموزان دختر و پسر، نتایج آزمون t مستقل مورد تحلیل قرار گرفت که در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول ۶: نتایج آزمون آماری t مستقل برای مقایسه میانگین نمره سبک‌های هویت

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار	نسبت t	درجه آزادی	سطح معناداری
سبک هویت اطلاعاتی	پسر	۱۲۶	۳۶/۲۹	۶/۸۹	۰/۶۱	-۳/۹۴۰	۲۶۷	۰/۰۰۰
	دختر	۱۴۳	۳۹/۴۳	۶/۲۱	۰/۵۲			
سبک هویت هنجاری	پسر	۱۲۶	۲۹/۳۳	۶/۰۶	۰/۵۴	-۳/۹۷۶	۲۶۷	۰/۰۰۰
	دختر	۱۴۳	۳۱/۹۶	۴/۷۹	۰/۴۰			
سبک هویت سردرگم	پسر	۱۲۶	۲۶/۰۰	۵/۶۳	۰/۵۰	-۰/۷۵۳	۲۶۷	۰/۴۵۲
	دختر	۱۴۳	۲۶/۵۵	۶/۳۲	۰/۵۳			
سبک هویت	پسر	۱۲۶	۳۶/۲۹	۶/۸۹	۰/۶۱	-۴/۸۴۴	۲۶۷	۰/۰۰۰
	دختر	۱۴۳	۳۹/۴۳	۶/۲۱	۰/۵۲			

شواهد در اطلاعات جدول ۶ نشان می‌دهد، براساس آماره آزمون t در سبک هویت اطلاعاتی، t حاصله (۳/۹۴۰) از میزان t جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر بوده و هم‌چنین میزان

سطح معناداری (۰/۰۰۰) از سطح آلفای ۰/۰۵ کوچک‌تر است. در سبک هویت هنجاری، t حاصله (۳/۹۷۶) از میزان t جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر بوده و هم‌چنین میزان سطح معناداری (۰/۰۰۰) از سطح آلفای ۰/۰۵ کوچک‌تر است. در سبک هویت سردرگم - اجتنابی، t حاصله (۰/۷۵۳) از میزان t جدول (۱/۹۶) کوچکتر بوده و هم‌چنین میزان سطح معناداری (۰/۴۵۲) از سطح آلفای ۰/۰۵ بزرگ‌تر است. در نمره کلی سبک هویت، t حاصله (۴/۸۴۴) از میزان t جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر است. با توجه به اطلاعات بالا فرضیه سوم این پژوهش، مبنی بر اینکه بین سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی) در دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد، تأیید شد.

نتیجه‌گیری

اطلاعات جداول ۳ و ۴ نشان می‌دهد که سبک هویتی دانش‌آموزان، دارای ۰/۴۸۷ درصد ضریب همبستگی با جهت‌گیری مذهبی دانش‌آموزان است و ۰/۲۳۲ درصد از واریانس متغیر سبک هویت دانش‌آموزان را تبیین می‌کند و بین جهت‌گیری‌های مذهبی (درونی و بیرونی) و سبک‌های هویت دانش‌آموزان ارتباط معناداری وجود دارد. در بررسی مقایسه‌ای فرضیه رابطه جهت‌گیری‌های مذهبی (درونی و بیرونی) با سبک‌های هویت (هنجاری، اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی)، یافته‌ها و نتایج این پژوهش با پژوهش‌ها و یافته‌های مارکستروم - آدامز و اسمیت (۱۹۹۶م، به نقل از غرائی، ۱۳۸۲) همسویی دارد. آنها نشان دادند که وضعیت‌های هویت ایگو در افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی دارای تفاوت معناداری است. با توجه به اینکه برزونسکی شیوه‌های هویتی را براساس مهارت‌های مقابله‌ای تعریف کرده است، در این رابطه می‌توان به پژوهشی در زمینه مقابله‌های مذهبی نیز اشاره کرد. در پژوهشی که توسط صولتی، نجفی و نوری قاسم‌آبادی (۱۳۸۲) جهت بررسی رابطه نگرش مذهبی و مهارت‌های مقابله‌ای و سلامت روان انجام گرفت، نتایج نشان داد که افراد با نگرش مذهبی از شیوه‌های مقابله‌ای مذهبی که عمدتاً متمرکز بر هیجان است، بیشتر استفاده می‌کنند. در پژوهش دیگری که توسط وفایی و بوربور (۱۳۷۸) انجام گرفت، نشان داده شد که مقابله‌های مذهبی و منابع استرس، در معلمان دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی متفاوت است. در مورد فرضیه دوم پژوهش، شواهد در اطلاعات جدول ۵ نشان می‌دهد که بین

جهت‌گیری‌های مذهبی (درونی و کلی) دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد، اما این تفاوت، در جهت‌گیری‌های مذهبی بیرونی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر مشاهده نشد. با ملاحظه میانگین نمرات در بین دانش‌آموزان معلوم می‌شود که میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی درونی و جهت‌گیری مذهبی کلی در بین دختران در مقایسه با پسران، بالاتر است.

در بررسی مقایسه‌ای فرضیه دوم، مقایسه جهت‌گیری مذهبی (درونی و بیرونی) در بین دانش‌آموزان دختر و پسر براساس پیشینه‌های پژوهشی در ادبیات پژوهش، در مطالعات دیگر، باتر و سالتز برگ، استریکلند و شافر (۲۰۰۶م). نشان دادند که میان جهت‌گیری مذهبی زنان و مردان تفاوت معناداری وجود داشته و زنان بیشتر به سمت ویژگی‌های دینداری درونی سوق می‌یابند. قربانی (۱۳۸۳) نیز به چنین نتیجه‌ای دست یافت.

الکر، گان، پالوتزیان (۲۰۰۵م). نیز در مطالعه دیگری نشان دادند که بین نمرات زنان و مردان در مقیاس دینداری درونی - بیرونی تفاوت معناداری مشاهده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج این پژوهش‌ها با نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر همسو می‌باشد.

در نهایت در فرضیه سوم پژوهش، شواهد در اطلاعات جدول ۶ نشان می‌دهد که بین سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت هنجاری و نمره کلی سبک هویت در بین دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد، اما تفاوت معناداری در سبک هویت سردرگم بین دانش‌آموزان دختر و پسر مشاهده نشد. با ملاحظه میانگین نمرات در بین دانش‌آموزان، معلوم شد که میانگین نمرات سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت هنجاری و نمره کلی سبک هویت در بین دختران در مقایسه با پسران بیشتر است.

بررسی مقایسه‌ای در زمینه تفاوت بین سبک‌های هویت (هنجاری، اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی) دانش‌آموزان دختر و پسر، در مطالعات دیگر دانش‌پور (۱۳۸۵) نشان داد که بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر سبک هویت هنجاری تفاوت معناداری وجود دارد. شکرایی (۱۳۸۰) نیز نشان داد که در میان دانش‌آموزان دختر و پسر دانشگاه علامه طباطبایی از نظر پایگاه‌های هویتی تفاوت معناداری وجود دارد. در مقابل حسینی طباطبایی (۱۳۷۷) نشان داد که در میان دختران و پسران شهر مشهد از نظر وضعیت‌های هویتی تفاوتی وجود ندارد. آرچر (۱۹۹۲م). نیز پس از تحقیقات مختلف نتیجه می‌گیرد تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویتی بیشتر حالت استثنا دارد تا قانون.

برزونسکی و همکاران (۲۰۰۰م.) در پژوهشی نشان دادند که جنسیت نقش معناداری در پیش‌بینی سبک سردرگم یا اجتنابی دارد و دانشجویان پسر، سردرگمی یا اجتناب بیشتری نسبت به دانشجویان دختر از خود نشان دادند.

همان‌طور که در فوق قابل مشاهده است، نتایج برخی از این پژوهش‌ها با نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر همسو می‌باشد.

از مجموع آنچه گذشت، نتیجه می‌شود که میان جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های هویتی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین میان جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های هویتی دختران و پسران دوره متوسطه تفاوت وجود دارد. پیشنهادات کاربردی این پژوهش به‌طور خلاصه عبارتند از:

۱- توجه بیشتر مسئولان و برنامه‌ریزان جامعه به ارائه الگوهای مناسب هویتی در جامعه و تشویق نوجوانان به انتخاب الگوی مناسب.

۲- ارائه مفاهیم مذهبی به صورتی بدیع، به گونه‌ای که جذابیت بیشتری برای نوجوانان داشته باشد.

۳- ارائه دیدگاهی هدفمند نسبت به مذهب، و عدم ارائه دیدگاه‌ابزاری به آن

۴- توجه به تفاوت‌های هویتی در نوجوانان دختر و پسر و ارائه آموزش‌های مناسب به نوجوانان با توجه به جنسیت آنها.

۵- آموزش والدین، جهت آگاهی کامل نسبت به دوران نوجوانی و بحران هویت و ارائه راهکارهای مناسب برای رفتار با نوجوانان (به خصوص در امور مرتبط با مذهب) به امید آنکه نوجوانان این مملکت دارای هویت پایدار ملی و مذهبی بوده و تحت تأثیر تهاجم فرهنگی و سایر رسانه‌های بیگانه دچار بی‌هویتی نگردند.

از محدودیت‌های این پژوهش، می‌توان به فقدان پژوهش‌هایی در داخل کشور در زمینه ارتباط هویت با جهت‌گیری مذهبی اشاره کرد. به‌علاوه از آنجا که روانشناسی دین نسبت به سایر گرایش‌ها در روانشناسی، گرایش نوظهوری است، تا حدودی نویسندگان مقاله برای گردآوری ادبیات پژوهش با مشکل روبه‌رو شدند. عدم وجود پرسشنامه‌ای در زمینه جهت‌گیری دینی که با فرهنگ شیعی و اسلامی همسو باشد، نیز از دیگر محدودیت‌های این پژوهش بود.

منابع

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۰): *تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- آرین، سیده خدیجه (۱۳۷۸): *بررسی رابطه بین دینداری و رواندردستی ایرانیان مقیم کانادا*، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- اسکندری، حسین؛ کیانی، ژاله (۱۳۸۶): *تأثیر داستان بر افزایش مهارت فلسفه‌ورزی و پرسش‌گری دانش‌آموزان، فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، س ۲، ش ۷، صص ۳۶-۱.
- اکبرزاده، نسرین (۱۳۷۶): *گذر از نوجوانی به پیری*، تهران: مؤلف.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۴۹): *ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه*، قم: فرهنگ اسلامی.
- حسینی طباطبایی، زهرا (۱۳۷۷): *ارتباط بین وضعیت‌های هویت و شیوه‌های مقابله با بحران در نوجوان و جوانان شهر مشهد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- خدایاری‌فرد، محمد (۱۳۷۸): *گزارش نهایی طرح پژوهش تهیه مقیاس اندازه‌گیری اعتقادات دینی و نگرش مذهبی*، دانشگاه صنعتی شریف.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۷۹): *کلام جدید*، قم: مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم.
- خلیلی‌دوآبی، مهشید (۱۳۸۵): *بررسی رابطه جهت‌گیری درونی و بیرونی با سلامت روان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- دانشپور، زهره (۱۳۸۵): *بررسی رابطه سبک‌های هویت و صمیمیت اجتماعی در دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان‌های دولتی شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- رضائی، ولی‌الله (۱۳۷۵): *بررسی ارتباط جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی با سلامت روان در پیران سه دین زرتشت، مسیحیت و اسلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- روغنجی، محمود (۱۳۸۴): *بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با سلامت روان دانشجویان رازی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
- سلیمی‌فر، فروزان (۱۳۸۴): *بررسی رابطه سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگمی - اجتنابی) در رفتارهای جرات‌ورز و غیر جرات‌ورز (پرخاشگری، انفعالی و سلطه‌پذیری)*؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شکرایی، زهرا (۱۳۸۰): *بررسی و مقایسه پایگاه‌های هویت در میان دختران و پسران دانشجوی دانشگاه علامه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صولتی‌دهکردی، سیدکمال؛ نجفی، مصطفی، و نوری قاسم‌آبادی، ربابه (۱۳۸۲): *بررسی رابطه بین نگرش مذهبی، مهارت‌های مقابله‌ای و سلامت روان در دانشجویان علوم پزشکی شهر کرد*، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان، قم: پژوهشکده فرهنگ و معارف.
- غزایی، بنفشه (۱۳۸۲): *تعیین وضعیت‌های هویتی و ارتباط آن با سبک هویتی و افسردگی در نوجوانان تهرانی*، رساله دکتری، دانشگاه علوم پزشکی ایران، انستیتو روانپزشکی تهران.
- غضنفری، احمد (۱۳۸۲): *بررسی تأثیر هویت و راهبردهای مقابله‌ای بر سلامت روانی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهر اصفهان*، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ----- (۱۳۸۷): «آشنایی با انواع هویت»، *مجله رشد مشاور مدرسه*، ش ۱۲، صص ۸-۱۱.

- قربانی، جعفر (۱۳۸۳)؛ *رابطه جهت‌گیری دینی با صفات عمده شخصیت در آزمون شخصیت ۱۶ عاملی کتل*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- کریمی، فریبا (۱۳۸۴)؛ *بررسی رابطه جهت‌گیری دینی با اضطراب و افسردگی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- مختاری، عباس (۱۳۷۹)؛ *رابطه جهت‌گیری مذهبی (درونی/ بیرونی) با میزان تنبلی در دانشجویان دانشگاه تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۹)؛ *آموزش عقاید*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- وفایی‌بوربور، صدیقه (۱۳۷۸)؛ *نقش جهت‌گیری دینی (درونی/ بیرونی) و مقابله مذهبی در استرس شغلی دبیران زن شهرستان همدان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- هاشمی، لادن (۱۳۸۳)؛ *بررسی تحولی ابعاد وضعیت هویت نوجوانان و جوانان ۲۴-۱۲ سال ایرانی از دیدگاه مارسیا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- هنری ماسن، پاول (۱۳۸۲)؛ *رشد و شخصیت کودک*، ترجمه مهشید یاسائی، تهران: مرکز.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۵)؛ *دین‌پژوهی*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Abraham, K.G. (1983); *The relation between identity status and locus of control among high school students*, Journal of early adolescence, 3, PP 120-143.
- Berman, A.M., Schwartz, S.J., Kurtines, w.m., and Berman, S.L. (2001); "The process of exploration in identity formulation: The role of style and competence", *Jornal of Adolescence*, 12, PP 210-222.
- Berzonsky, M.D. (1992); Identity style and coping strategies, *Journal of personality*, 12, PP 110-125.
- Berzonsky, M.D., and Adams, R.G. (2005); *Reevaluating the identity status paradim: still useful after 35 yeas*, Developmental review, 10, PP 557-590.
- Berzonsky, M.D., and Ferravi, R.J. (1996); *Identity orientation and decisional strategies*, personality and individual differences, 20, PP 597-606.
- Berzonsky, M.D., Kock, M.P, and Nurmi, E.J. (2000); *Interrelationships among identity process, content and structure:a cross-cultural investigation*, Journal of adolescent research, 18, PP 1-19.
- Berzonsky, M.D., Rice, K.G, and Neimeyer, G.J. (1999); "Identity status and self construct systems process structure interaction", *Journal of Adolescence*, 13, PP 251-261.
- Ganzevorth, R.R. (1998); "Religious coping considered", *Journal of psychology and theology*, 26, PP 260-275.
- Grotvant, H.D. (1987); "Toward a process model of identity formation", *Journal of adolescent research*, 2, PP 203-222.
- Hallahmi, B.B., and Argyle. M. (1997); "The psychology of religious behavior, believe and experience", *Journal of personality and social psychology*, 18, PP 89-95.
- Maltby, J., Lewis, C.A., and Day, L. (1999); Religious orientation and psychological well-being. The role of the fregue of personal prayer, *British journal of health psychology*, 4, PP 363-378.
- Schwartz, J.S; and Dunhum, M.R. (2001); *Identity status formula: Generating continues measures of identity from measures of exploration and commitment*, Adolescence, 35, PP147-165.

